

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)

تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۹/۸۱۵۳ رده بندی کنفرانس: الف ۲۲/۳۶۰

بررسی ضمانت اجرای اخلاق در دیدگاه

کانت و محمد مهدی نراقی

ابراهیم مومنی

دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش اخلاق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

سید اکبر حسینی قلعه بهمن

محمد کفاش

چکیده

ضمانت اجرا یکی از عمده مباحث طرح شده در پژوهش های اخلاقی است که سایر مکاتب اخلاقی بدان پرداخته اند. توجه به این موضوع امری لازم و ضروری است، چرا که قواعد و اصول اخلاقی، با تضمین داشتن است که استحکام می یابد، و گرنه بدون داشتن تضمین، نمی توان نظام اخلاقی عملی را متصور بود و باید دانست که اصول و قواعد اخلاقی بدون داشتن ضمانت اجرا، اقبال و توجه به رعایت آنها در حداقل ترین حالت قرار خواهد گرفت. از همین روی نیز با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی ضمانت اجرا از منظر کانت و محمد مهدی نراقی پرداخته ایم. کانت ضمانت اجرای اخلاق را عقل عملی معرفی می کند؛ در حالی که نمی تواند تضمین کننده کافی باشد و در دیدگاه اندیشمندان اسلامی، اشکالاتی نیز بر او وارد است. فاضل نراقی با تکیه بر نگاه دینی و باور به معاد، عوامل انگیزشی متعددی از جمله عقل، جامعه، عقوبت اخروی و... ذکر می کند که با توجه به ویژگی های خاص سرای اخروی، می توان عوامل انگیزشی اخروی را کارآمدترین آنها و میان نظام های اخلاقی، نظام معتقد به معاد را، برترین نظام از این جهت دانست.

واژگان کلیدی: ضمانت اجرای اخلاق، کانت، نراقی، عوامل انگیزشی، عقل عملی

بخش اول: مقدمه

انسان همواره در زندگی خود نیازمند قواعد و قوانینی بوده است تا با تمسک به آن‌ها نیز بتواند به حیات خود ادامه دهد. از جمله این قواعد و قوانین، اموری است که با نام اخلاقیات می‌شناسیم و برای آن اصول و قواعدی نیز تعریف شده است. اصول و قواعدی که بدون اجرای آن نمی‌توان زندگی فردی و اجتماعی سالمی برای بشر انتظار داشت و سلامت جامعه را تضمین نمود. اصول و قواعدی که ناظر به ساحت‌های مختلف زندگی انسان بوده و در صدد تنظیم رابطه انسان با خدا، خود، جامعه و طبیعت است. (ر. ک. حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵-۱۱۴) اما این اصول و قواعد هر اندازه که کاربردی و مفید باشد؛ بدون داشتن ضمانت اجرا و پشتوانه‌ای برای عملی شدن، از ارزش و بهره کافی برخوردار نخواهد بود؛ به این معنی که از لوازم و قوت یک اصل، پشتوانه و ضمانت اجرای آن اصل است. بنابراین پرداختن به مساله ضمانت اجرای اصول و قواعد اخلاقی امری ضروری بوده و بدون آن نمی‌توان نظام اخلاقی کارآمدی متصور بود. پس از بررسی و جست‌وجو در کتاب‌ها و مقالاتی که به این موضوع پرداخته اند، چنین دست یافتیم:

در کتاب اخلاق و معاشرت به صورت کوتاه و گذرا به برخی از ضمانت‌های اجرا مانند اعتقاد به خدا، احساس حضور خدا، شوق به جلب رضای او و... اشاره شده است. (قایمی ۱۳۶۴، ص ۱۲۳-۱۱۱) در مقاله‌ای دیگر با موضوع «شریعت، ضمانت اجرای اخلاق» نویسنده به دنبال آن است تا ضمانت‌های اجرای شریعت اسلامی را استخراج و ترجیح آن‌ها را بر ضمانت‌های اجرایی بدون شریعت نشان دهد. (ر. ک. عباس‌زاده، ۱۳۹۱) در برخی آثار بصورت گذرا به ایمان و اخلاق بعنوان بهترین پشتوانه برای عمل به مقررات و قوانین اشاره شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵) در جایی دیگر نیز از معاد به عنوان ضمانت اجرای برخی ارزش‌ها نیز نام برده شده است. (انصاریان، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹) کتاب‌های دیگری نیز وجود داشت که به صورت مختصر و گذرا به این مساله پرداخته بودند. در نهایت یکی از پژوهش‌هایی که ارتباط نزدیکی با موضوع مورد بحث ما دارد، مقاله «بررسی ضمانت اجرای اخلاق در دیدگاه کانت و شهید مطهری» (موسوی و سربخشی، ۱۳۹۹) است که به بیان و نقد دیدگاه کانت در مورد تضمین اخلاقی پرداخته است. پژوهش ما به صورت متمرکز بر ضمانت اجرا از نگاه دو شخصیت مطرح در حوزه اخلاق پرداخته و باید گفت نیز علاوه بر دیدگاه کانت به دیدگاه مرحوم نراقی پرداخته ایم

که تاکنون مطرح نشده است. با توجه به اهمیت بحث از ضمانت اجرا در فلسفه اخلاق، ما در این مقاله به دنبال بررسی ضمانت اجرای اخلاق از دیدگاه دو اندیشمند اسلامی و غربی هستیم و می‌خواهیم به پاسخ این سوال که ضمانت اجرای الزام‌های اخلاقی چیست؟ دست یابیم. به این معنا که چه چیزی سبب پایبندی آدمی به بایدها و نبایدهای اخلاقی می‌شود؟ چه تفاوتی میان دیدگاه این دو شخصیت در این حوزه وجود دارد؟

از این روی با روشی توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به آثار آن‌ها به دنبال یافتن پاسخ خود هستیم. بنابراین ابتدا به مفهوم شناسی پرداخته و پس از آن دیدگاه هر یک از این شخصیت‌ها بیان شده و به جمع‌بندی خواهیم پرداخت.

بخش دوم: مفهوم‌شناسی

پیش از آغاز هر پژوهشی لازم است که محقق مفاهیم کلیدی خویش را برای ایجاد تفاهم با مخاطب تعریف کند و منظور و مراد خویش را از آن مفاهیم اعلان نماید. این نوشتار نیز از این قاعده مستثنا نیست و بر این اساس، در آغاز به توضیح برخی از مهم‌ترین مفاهیم مورد نظر می‌پردازد.

بند اول: اخلاق

اخلاق از جهت لغت، جمع خُلق است (طریحی، ۱۳۷۵: ذیل واژه خلق) و خُلق به معنای طبیعت و سَجیت (ابن منظور، ۱۴۱۴: ذیل واژه خلق) بوده که همان ویژگی‌های درونی انسان است که در آدمی نهادینه و به اصطلاح ملکه شده است؛ به طوری که انسان بر اساس آن خُلق و خواها، کارها را بدون این که نیاز به اندیشه فراوان داشته باشد انجام می‌دهد. اما اخلاق از جهت اصطلاح مورد نظر این نوشتار، به نظام اخلاقی اشاره دارد که در جامعه، فرهنگ، دین و ... جریان دارد و افراد متعلق به آن جامعه، فرهنگ، دین و ... بدان گردن داده‌اند و از آن تبعیت می‌کنند (ر. ک. حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵-۱۱۴) با بررسی اخلاق در هر دین و مکتبی می‌توان بر اساس بنیان‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، انسان‌شناختی و الهیاتی آن دین و مکتب، ساختاری معین و نظام اخلاقی مشخصی کشف نمود.

بنابراین نظام اخلاقی در این مسیر، در صدد هدایت رفتار انسان است که مربوط به چهار حوزه رفتار فردی، اجتماعی، محیط زیست و نهایتاً ارتباط با خداوند می‌باشد. اما یکی از عناصری که نقش تعیین کننده ای در کنترل رفتار انسان در چارچوب یک نظام اخلاقی خاص داشته و حفظ قواعد آن را عهده دار است؛ ضمانت اجرا خواهد بود که موضوع پژوهش ما قرار گرفته است. با توجه به تنوع ساحت ارتباط های انسانی، لازم است ضمانت اجرا ها نیز تضمین کننده و حافظ اصول و قواعد در هر چهار حوزه ارتباطی انسان باشند.

بند دوم: ضمانت اجرا

• معنای لغوی

واژه ضمانت در لغت به معنای بر عهده گرفتن (عمید، ۱۳۶۳؛ ذیل واژه ضمانت) کفیل شدن، تعهد کسی را کردن (معین ۱۳۷۹؛ ذیل واژه ضمانت)، و واژه اجرا نیز به معنای جاری کردن، روا کردن امری، (همان؛ ذیل واژه اجرا) راندن، به مرحله عمل گذاشتن حکمی که قطعیت یافته (همان) و.. نیز به کار رفته است. همچنین ضمانت اجرا با واژه «sanction» در دیکشنری «Oxford» چنین آمده است:

«یک دوره عملی که می‌تواند در صورت لزوم مورد استفاده قرار گیرد تا مردم از یک قانون پیروی کنند یا به روشی خاص رفتار کنند: {مانند} مجازات بستن شدن رستوران»^۱.

• معنای اصطلاحی

برای پی بردن به معنای اصطلاحی ضمانت اجرا نیز باید به سراغ علم حقوق رفت؛ چرا که محل تولد اصطلاحی این واژه علم حقوق است که نیز بصورت عاریه‌ای وارد در علم اخلاق شده است. در علم حقوق تعاریف متعددی برای آن ذکر شده است که به مواردی نیز اشاره می‌شود.

^۱. A course of action that can be used if necessary to make people obey a law or behave in a particular way: the ultimate sanction will be the closure of the restaurant

از ضمانت اجراء به عنوان قدرتی یاد می‌شود که برای به کار بستن قانون یا حکم دادگاه از آن استفاده می‌شود. (جعفری لنگرودی: ذیل واژه ضمانت اجرا)

دکتر کاتوزیان پدر علم حقوق ایران ضمانت اجرا را چنین بیان می‌کند:

«قواعدی است که در یک کشور بر افراد و روابط آن‌ها حکمرانی می‌کند. پس هرگاه قانون را یکی از افراد جامعه نقض کند قدرت عمومی برای حفظ نظم و حقوقی که ضمن نقض آن قانون تباه شده بکار می‌افتد و عکس العمل نشان می‌دهد این عکس العمل را ضمانت اجرا گویند. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۵۲۳). با توجه به دیگر معنایی که برای ضمانت در لغت آمده است: «دچار بیماری شدن که سبب زمین گیری می‌شود» (عمید، ۱۳۶۳: ذیل واژه ضمانت) می‌توان رابطه دیگری میان معنای لغوی و معنای اصطلاحی بدین شرح بیان کرد:

همان طور که انسان زمین گیر نمی‌تواند کاری انجام دهد، انسان در مقابل اخلاق که دارای ضمانت است عاجز بوده و نمی‌تواند آن را نقض کند. (ر. ک. عباس زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۶۵) بنابراین ضمانت اجرا در علم اخلاق را چنین می‌توان تعریف نمود:

آن چه که انسان را مقید به رعایت اصول و قواعد اخلاقی نموده و اجازه عدول از آن را نمی‌دهد؛ بدین معنا که در صورت تخلف از آن مجازات خواهد شد. با توجه به این که اخلاق صفات و رفتار را نیز در بر می‌گیرد، این مجازات نیز مجازات روحی را شامل می‌شود. در واقع ضمانت اجرا با انگیزه آدمی سر و کار داشته و با برانگیختن انگیزه است که او را به انجام فعلی سوق می‌دهد و یا او را باز می‌دارد.

بخش سوم: آشنایی با دیدگاه اخلاقی کانت (امر مطلق)

ایمانوئل کانت، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان غرب در قرن هجدهم می‌زیسته، در مواجهه با تفکرات سودگرایانه، رویکرد وظیفه‌گرایانه خود در نظریه ارزش اخلاقی را مطرح ساخت.

او تاکید بسیاری بر عنصر تکلیف و وظیفه دارد و معتقد است که عقل تقریباً به صورت یکسانی در انسان‌ها به عنوان یک قوه ذاتی وجود دارد که قوانین و دستورهای آن نیز همگانی بوده و از طریق آن

می‌توان مشکلات فکری و اخلاقی را حل نمود. کانت معتقد به عقل واحدی است که بر اساس اختلاف در مدرکات آن‌ها به عقل نظری و عملی تقسیم شده و دارای دسته‌ای از احکام بدیهی هستند که مقدم بر تجربه بوده و عقل، مستقلاً آن‌ها را درک می‌کند. کانت منشا تکلیف اخلاقی را عقل می‌داند و از این جهت، جایگاهی برای تجارب بیرونی و مانند آن قایل نیست. (ر.ک. شریفی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۶-۲۷۵)، از نظر کانت، احکام اخلاقی با ارجاع به یک اصل بدیهی اخلاقی به دست می‌آید که آن را امر مطلق نام می‌نهد. امر مطلق می‌گوید: «چنان عمل کن که گویی بناست آیین رفتار تو، به اراده تو، یکی از قوانین عام طبیعت شود» (مصباح، ۱۳۹۹، ص ۱۵۵)

همان طور که امر مطلق قیدی ندارد، همه‌ی وظایف اخلاقی به دست آمده از آن قیدی نخواهد داشت و در تمام موقعیت‌ها استوار است. اما او دو شرط را برای ارزش اخلاقی داشتن عمل قرار می‌دهد، اول مطابقت فعل با وظیفه اخلاقی و دوم انجام آن صرفاً به نیت عمل به وظیفه اخلاقی باشد (همان ص ۱۵۶ و ۱۵۸) به اعتقاد وظیفه‌گرایانی همچون کانت، اصل به‌حدّ اعلا رساندن غلبه خیر بر شر نمی‌تواند ملاک درستی برای امر اخلاقی باشد و یا در نهایت چنین می‌توان گفت که تنها معیار نیست، چرا که از نظر آنان، عمل یا قاعده عمل می‌تواند اخلاقاً درست یا الزامی باشد، حتی اگر چه نتیجه آن، بیشترین غلبه خیر بر شر را برای کسی به وجود نیاورد. (ر.ک. ویلیام کی، ۱۳۹۳، ص ۴۷)

بخش چهارم: ضمانت اجرای اخلاق در نگاه کانت

در نگاه کانت الزام در اخلاق لازم و ضروری بوده که مبتنی بر تکلیف است. با توجه به این‌که کانت در نظریه ارزش اخلاقی وظیفه‌گرا است، محرک لازم در اخلاق را درونی می‌داند که این محرک همان وظیفه نام دارد. (مقاله ۱۳۶) به اعتقاد کانت، احکام اخلاقی، محصول تلاش عقلانی است و نه تلاش تجربی. به دیگر سخن، برای نیل به احکام اخلاقی به ذهن و به تعبیری بهتر به عقل عملی مراجعه کنیم.

«منشأ تکلیف اخلاقی عقل است، نه تجارب حاصله از ارتسامات و اعیان؛ و هر قدر هم علل طبیعی فراوان و محرک‌های حسی متعدد مرا به خواستن (یا اراده کردن) چیزی سوق دهند، ممکن نیست در من حالت

مكلف بودن ایجاد کنند.» (کورنر اشتفان، ۱۳۶۷، ص ۲۸۵). در واقع او منشا ضمانت اجرای اصول و قواعد اخلاقی را عقل می‌داند. کانت معتقد است:

«برای آنکه عقل بتواند قوانینی عرضه کند، فقط لازم است که خودش را مفروض بگیرد، زیرا قواعد فقط در صورتی اعتبار عینی و کلی دارند که فارغ از هرگونه شرایط ذهنی امکانی که سبب امتیاز یک موجود متعل از موجود متعل دیگر می‌شود، برقرار باشند.» (کانت، ۱۳۸۵، ص ۳۷-۳۵) در واقع امر مطلق کانت که مبتنی بر تکلیف و وظیفه اخلاقی بوده و منشا آن عقل است، به دو جهت مورد توجه قرار گرفته است. نخست آن که سرچشمه قواعد استنتاجی‌ای می‌گردد که براساس آن‌ها آدمیان رفتارهای خود را سامان می‌دهند. دوم این که این امر مطلق، حکم توجیه‌کنندگی برای تمام رفتارهای اخلاقی ما را بر عهده گرفته است. (فردریک کاپلستون، ص ۳۳۴) در دیدگاه کانت، قانون اخلاقی که عهده دار اجرای افعال اخلاقی است، از آنجا که پیشینی و پیش از تجربه و از قوه عقل عملی انتزاع شده است، هر فردی از موجودات عاقل و دارای قوه عقل عملی می‌تواند آن را ادراک نماید. در این حالت، آن قانون، قانونی است تعمیم یافته به تمام عوامل اخلاقی، دارای کلیتی است که استثنا در آن راه ندارد و لازم الاجرا برای تمام عوامل اخلاقی است. (ژکس، ۱۳۷۵، ص ۱۰۴) خلاصه آن که منشا این الزامات نیز عقل آدمی است.

کانت معتقد است براساس تلاش عقلی آدمی، دستورات و اوامر اخلاقی، به دو شکل اوامر مشروط و اوامر مطلق صادر می‌شوند. اوامر و دستورات مشروط، دستوراتی هستند که توسط عقل برای رسیدن به مقصد و هدفی طراحی شده‌اند و به خودی خود، دارای ارزش ذاتی نمی‌باشند. در این اوامر، انسان مقصدی واجد ارزش را در نظر می‌گیرد و برای رسیدن به آن مطلوب ارزشمند، دستوراتی تولید می‌کند. اما اوامر و دستورات مطلق، دستوراتی هستند که به خودی خود دارای ارزش‌اند و خوبی آنها مشروط به خوبی دیگری نیست. عقل با یافتن آن ارزش‌ها دستورات مطلق خویش را نسبت به آنها صادر می‌نماید. (بروس اونی، ۱۳۸۱، ص ۲۳) به عبارتی دیگر، اوامر و دستورات مطلق اخلاقی، مشروط به میل و خواست ما در نظر گرفته نشده‌اند و تعهد به آنها، فارغ از هر قید و شرطی است.

اکنون، با تحلیلی که از کانت بدست آمده است، قواعد اخلاقی باتلاش قوه عاقله آدمی به دست می‌آید. در این ایده، امر مطلق اخلاقی، نهائی‌ترین ارزش اخلاقی در نظر گرفته می‌شود. این قاعده و اصل

اخلاقی بر مبنای تلاش عقل عملی ساخته و پرداخته شده است؛ چرا که این اصل و قاعده، جدای از تمام ابزار و منابع معرفتی همچون وحی، حس و تجربه و حتی عقل نظری شکل گرفته است. البته کانت در شکل گیری انگیزه از احساس اخلاقی، در کنار عقل عملی نام می برد که این احساس، غیر از حس عاطفی لذت و تنفر است و در واقع لذتی است که با تصور قانون اخلاقی و قصد اطاعت از آن در آدمی ایجاد شده و سبب شوق می شود و متأثر از عقل است. (ر.ک. موسوی و سربخشی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۷) با توجه به آن چه تقریر شد، موجود عاقل و متعقل، از یک سو، منبع صدور قانون و حکم اخلاقی است و از سوی دیگر، خود نیز به عنوان یک موجود عاقل، یک عامل اخلاقی است و در نهایت چنین می توان گفت که ضمانت اجرای اخلاق و اصول آن در دیدگاه کانت، عقل عملی است.

بخش پنجم: آشنایی با دیدگاه اخلاقی محمد مهدی نراقی

از نظر مرحوم نراقی نفس دارای چهار قوه است: قوه عقلیه، قوه غضبیه، قوه شهویه و قوه وهمیه. مرحوم نراقی نفس را محل تنازع این قوا دانسته و معتقد است که هر یک که غالب شود، همان در سرزمین نفس حاکم خواهد بود. اما در این بین قوه عاقله، نقش بسیار مهمی دارد و اگر بر دیگر قوا غلبه کرده و آنها را مقهور خود سازد آن قوا به اعتدال می رسند. ایشان در این باب عقل عملی را مبدأ تحریک می دانند؛ نه مبدأ ادراک و همه فضایل و رذائل به قوای سه گانه نسبت داده می شوند نه به عقل عملی. ایشان نفس ناطقه انسان را دارای دو قوه ادراک و تحریک می داند که هر یک دارای دو قسم است. قسم اول قوه ادراک، عقل نظری است که صور علمیه را از مبادی عالیه دریافت می کند و قسم دوم آن یعنی عقل عملی منشأ تحریک بدن در اعمال جزئی است. قسم اول قوه تحریک، قوه غضب و منشأ دفع امور نامالایم است و قسم دوم آن، قوه شهوت و مبدأ و منشأ جلب امور ملایم می باشد. اکنون اگر قوه ادراک بر باقی قوا غالب شود هر یک از آنها با اعتدال عمل می کند و در نتیجه هماهنگی بین قوا به وجود می آید و آدمی از فضیلت لازم برخوردار می گردد. (ر.ک. صادقی، ۱۳۸۴، ص ۱۸-۱۷)

بند اول: ضمانت اجرای اخلاق در نگاه محمد مهدی نراقی

با توجه به این که در فلسفه حب به غایت را علت غایی می نامند، و همان را موجب فعل تلقی می کنند، پس حب به غایت، غیر از خود غایت است و آن چه که را که به عنوان ضامن اخلاق باید معرفی نمود،

حب خواهد بود، نه آن چه که به‌عنوان تشویق و یا تنبیه نصیب انسان خواهد شد. پس از روشن شدن ضامن اخلاقی که همان حب است، به بررسی مشوق‌ها و تنبیه‌ها در بیان فاضل نراقی پرداخته و عواملی که در ایجاد انگیزه موثر است را استخراج می‌کنیم.

بند دوم: عوامل درونی

منشا برخی عوامل بازدارنده درونی بوده و از درون انسان بر می‌خیزد که همان عوامل درونی است. در این بخش با فحوص و بررسی آثار مرحوم نراقی به استخراج انواع عوامل درونی ایجاد انگیزه از نگاه ایشان خواهیم پرداخت.

بند سوم: عقل

مرحوم نراقی برای نفس ناطقه دو قوه ادراک و تحریک بر می‌شمارد و در ادامه برای قوه ادراک دو شاخه عقل نظری و عقل عملی را بیان کرده و آن‌ها را چنین شرح می‌دهد: «شاخه اول ادراک، عقل نظری است که به واسطه قبول صور علمیه متأثر از مبادی عالی است. شاخه دوم ادراک، عقل عملی است که مبدأ به حرکت درآوردن بدن در اعمال جزئی است از طریق فکر و تأمل» (مجتبوی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۹۵) در واقع ادراک آنچه خیر و صلاح است در شان عقل نظری بوده و به عنوان راهنمای خیرخواه در قبال عقل عملی، به کار می‌رود و مدیریت و بکارگیری قوا بر عهده عقل عملی بوده و به منزله تنفیذ کننده و امضا کننده اشارات عقل نظری است. (ر.ک. همان، ص ۱۰۲) وقتی انسان خردمند با عقل نظری به طرق مختلف دریافت که غوطه‌ور شدن در رذایل اخلاقی و تن دادن به آن‌ها او را در مهلکه شقاوت ابدی برد و تنها از رهگذر آراستگی به اخلاق و فضایل است که می‌تواند به سعادت ابدی دست یابد؛ عقل عملی حکم عقل نظری را تنفیذ کرده و رای به لزوم و وجوب آراستن نفس و جان به فضایل و تخلیه و پاکسازی روح و جان از رذایل و تخلیه می‌نماید و مبدا قوه تحریک و بدن برای نیل به خوبی و دوری از بدی‌ها می‌شود. چرا که دست یافتن به زندگی حقیقی بدون این دو مهم یعنی آراستگی به محاسن و تخلیه قبايح دست نیافتنی خواهد بود و این چیزی است که هر عقل سلیمی نیز را آن درک کرده و می‌یابد. بنابراین عقل، پیامبر درونی انسان که به دنبال کسب لذت واقعی و جاودانه است؛ از رهیافت به این مطلب، که برخی لذات و خوشی‌های حاصل از انجام اعمالی که رذيله به حساب می‌آید زودگذر است و

تنها آثار جاودانه آن، عذاب و تلخی می باشد که تا ابد بر دوش انسان می ماند؛ حکم به لزوم دوری از رذایل و آراستگی به فضایل را صادر می کند و بر همین اساس مرحوم نراقی می فرماید: «بر هر خردمندی واجب است که در اکتساب فضائل اخلاقی که حدّ وسط و اعتدال در خوبی ها و صفات استو از جانب شریعت به ما رسیده است کوشا باشد و از رذائل که افراط و تفریط است اجتناب کند، و اگر در این راه کوتاهی و تقصیر کند هلاکت و شقاوت ابدی گریبانگیرش شود». (همان، ص ۴۲-۴۱)

بند چهارم: از دست دادن لذت معرفت

از نگاه مرحوم نراقی، لذت همان ادراک ملایم و سازگار باطبع و رسیدن به آن است. اگر متعلق این ادراک ملایم و سازگار با طبع قوه عاقله باشد؛ به این معنا که قوه عاقله ادراک کننده آن باشد، از چنین ادراکی به علم و معرفت تعبیر می شود که در مقابل آن ادراک حسی است که شامل دیدن، شنیدن، چشیدن، بوییدن و لمس کردن می شود و نسبت به این ادراکات، قویتر و شدیدتر بوده و از رتبه فراتری نیز برخوردار است (همان، ج ۳، ص ۱۹۸) از جمله مواردی که هر انسانی به دنبال آن می باشد، کسب لذت است؛ حتی آن چه سبب می شود تا انسان در ورطه رذایل سقوط کرده و به گناه افتد کسب لذت است که البته به دلیل غفلت، تشخیص غلط و مسلط شدن هوی بر نفس و نشستن بر جای قوه عاقله تن به لذت زوال پذیر در ازای شقاوت و عذاب دائمی می دهد. از جمله لذت هایی که انسان را فضیلت مند کرده و او را به کمال سوق می دهد؛ لذت معرفت است که همیشگی بوده و همان طور که اشاره شد تنها به وسیله عقل درک می شود؛ بخصوص معرفتی که متعلق آن خداوند متعال و شناخت صفات و افعال او باشد. (همان، ۳۱۷) هر چه متعلق معرفت از کمال و شرافت بیشتری برخوردار باشد به تبع آن، به معرفتی به شرافت و کمال همان متعلق دست خواهیم یافت؛ همان طور که مرحوم نراقی به این مطلب اشاره داشته و با بیان اشرف موجودات بودن خداوند متعال، معرفت به ایشان را بالاترین و شریف ترین معرفت می داند (همان، ص ۱۹۸) و کسی که بهترین لذت را که همان معرفت الهی است را به دست آورده است هرگز به سراغ لذات مادی نخواهد رفت، چرا که به بیان مرحوم نراقی علم منتهای کمال و اخص صفات ربوبی است که قوی ترین لذات را به همراه خواهد داشت (همان، ص ۱۹۹) نهایتاً این که مرحوم نراقی می فرماید: «کار و شأن نیروی عقلانی، ادراک حقایق امور و تمییز بین خیر و شر و فرمان دادن به افعال نیک و نهی از صفات زشت است» (همان، ج ۱، ص ۶۹)

بند پنجم: عوامل بیرونی

عوامل بیرونی، آن دسته‌ای را شامل می‌شود که منشأ خارجی داشته و از محلی بیرون از وجود انسان نشأت می‌گیرد و در واقع کارکرد آن برای مراقبت از اصول وقواعد اخلاقی در وجود انسان از عوامل بیرونی خواهد بود.

بند ششم: دنیوی

عوامل بیرونی، عناوین متعددی از را نیز در بر می‌گیرد. از جمله آن‌چه که منشأ خارجی و بیرون از وجود انسان داشته و کاربرست آن‌ها در دنیا است و در واقع عملکرد و اثر آن نیز در همین دنیا می‌باشد از این عوامل انگیزه‌ساز، به عنوان عوامل بیرونی دنیوی میتوان نام برد. در این بخش جنبه‌ای از مجازات مورد توجه است که ناظر به همین دنیا باشد.

بند هفتم: با تایید حقوق

برخی از اصول و قواعد اخلاقی بخاطر آثار اجتماعی مهم آن‌ها مورد حمایت علم حقوق قرار گرفته است. از همین رو نیز مواردی که به عنوان حافظ و تضمین کننده‌ی این اصول می‌باشند؛ به تایید علم حقوق رسیده و برای متخلفین مجازات‌هایی قرار داد شده است. مانند قصاص.

انسان موجودی کمال گراست و به دنبال آن هر فردی می‌کوشد تا برترین‌ها را برای خود به دست آورد و قطعاً می‌کوشد تا با توجه به فهم و درک خویش از آنچه سبب انزجار و آزرده‌خاطری‌اش می‌شود، دوری نماید. از این رو گاهی اوقات ممکن است در ذهن خود برنامه‌هایی داشته و به دنبال اقداماتی باشد که گرچه از آن لذت می‌برد، اما به دیگران آسیب می‌رساند، با این وصف از آن خودداری و اجتناب می‌کند، چرا که می‌داند در صورت ارتکاب آن عمل و رفتار، نیز خود به همان آسیب و گرفتاری دچار خواهد شد. آنچه را که مانع این امر می‌شود می‌توان به عنوان قصاص نام گذارد. مراد مرحوم نراقی از قصاص بعنوان

عامل بازدارنده، معنای فقهی آن یعنی قصاص نفس یا عضو^۱ (صدر، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۵۱۳) نبوده و اعم از آن است؛ اگر چه در این بخش همان معنای فقهی آن مقصود ما می باشد که به تایید حقوق رسیده است.

بند هشتم: بدون تایید حقوقی

برخی از اصول و قواعد اخلاقی از بازدارندگی‌هایی برخوردار هستند که پشتوانه آن حکومت‌ها نبوده و آن نوع از ضمانت و جاهت قانونی ندارد. به این صورت که تخلف از آن جرم انگاری نشده و علم حقوق برای آن مجازاتی در نظر نگرفته است؛ مثل فردی که در مورد چرای تأخیرش به دوستش دروغ می گوید. برای بازداشتن چنین فردی برای دروغ نگفتن، نمی توان به دنبال ضمانتی مورد تایید حقوق بود. البته گاهی ممکن است برای تخلف از اصول اخلاقی نیز ضمانت‌های متعددی وجود داشته باشد که برخی در زمره ضمانت مورد تایید حقوق و برخی در زمره ضمانت‌های بدون تایید حقوق قرار گیرد؛ که یقیناً در این بخش توجه ما به آن نوع عواملی خواهد بود که مورد تایید علم حقوق نیست، مانند از دست دادن محبت الهی. محبت، شوق و میلی (ر.ک. اسماعیل صینی، ۱۴۱۴، ص ۹۸) است که محب نسبت به محبوب دارد. مرحوم نراقی محبت را میل و گرایش به چیزی می‌داند که ادراک آن لذت آور و سازگار با طبع بوده و یا همان شادمانی است که از ادراک ملایم و رسیدن به آن حاصل می‌شود (مجتبوی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۹۸) کسی که محبت خداوند در دل او قرار گیرد نیز از محبت‌های دنیوی که ترک فضایل اخلاقی و ارتکاب رذایل بخاطر آنهاست؛ فارغ خواهد شد. در نهایت برای از دست ندادن محبت الهی؛ باید از هر گونه توجهی به رقیب و دل مشغولی به آن نیز خودداری نمود. مرحوم نراقی در تعبیری لطیف بیان می دارد که توجه دل عاشق به رقیب اگرچه از روی بغض هم باشد؛ سبب نقص در عشق است و بیان می دارد که حتی مشغول شدن به بغض دنیا هم نکوهیده است؛ چرا که همان طور که دو محبت در یک حال در دلی جمع نمی شود؛ نیز حب و بغض در یک حال واحد، در یک دل جمع نخواهد شد. (همان، ص ۱۰۸-۱۰۷)

^۱ هو عقوبة الجريمة بمثلها فی النفس و الجروح.

امر به معروف و نهی از منکر از دیگر مواردی است که مورد توجه مرحوم نراقی قرار گرفته است. ایشان امر به معروف و نهی از منکر را که همان امر به فضایل و دستورات اخلاقی و ترک رذایل می‌باشد را یکی از مهم‌ترین عوامل صیانت از اجرا اصول و قواعد اخلاقی می‌داند تا جایی که مسبب گسترش و شیوع چهل ونادانی و افتادن مردم در ضلالت و گمراهی را محصول عدم پابندی به این مساله می‌داند. مرحوم نراقی به نوعی حیات شریعت الهی که همان حیات فضایل اخلاقی می‌باشد را در گرو قوام و مبادرت به امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. (همان، ص ۳۱۲) امر به معروف و نهی از منکر در واقع یک نظارت عمومی توسط یکایک افراد در هر سطحی است که زمینه ساز امنیت اخلاقی و عدالت اجتماعی و بسیاری از فضایل می‌باشد. البته کم و کیف اثر این عامل بسته به افراد و جامعه‌ای که نیز خود متخلق و مقید به آداب امر به معروف و نهی از منکر هستند؛ متفاوت می‌باشد.

شرمساری در محضر الهی (همان، ج ۳، ص ۱۲۷)، مصایب و گرفتاری دنیوی (همان، ص ۶۴)، قضاوت و آسیب اجتماعی (همان، ج ۲، ص ۴۰۸)، مرگ (همان، ص ۸۶) از دیگر عواملی است که مورد توجه فاضل نراقی قرار گرفته است.

بند نهم: اخروی

عوامل اخروی آن دسته از بازدارندگی‌ها خواهد بود که فارغ از عقوبت‌هایی که ممکن است برای خاطی و شخص غیرپایبند به اصول و قواعد اخلاقی در دنیا در نظر گرفته شود یا خیر، در سرای دیگر و دنیای پس از مرگ نیز اجرایی و عملی خواهد شد. مانند قصاص در قیامت. به یقین به موجب محدودیت‌هایی که در دنیا وجود دارد، امکان قصاص و اخذ عوض نسبت به سایر حقوق امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین، بخش قابل توجهی از اخذ عوض و قصاص در قبال اعمال مجرمین و افرادی که اصول و قواعد اخلاقی را زیر پا می‌نهند، وجود نخواهد داشت و اگر قرار به قصاص در سرای دیگر نباشد، یقیناً متخلفین ترغیب خواهند شد تا پنهانی و غیر آشکارا خود را به رذایل آلوده نمایند. اما آن چه به عنوان عاملی بازدارنده از اصول و قواعد اخلاقی صیانت خواهد نمود، همان قصاص و انتقام الهی در آخرت خواهد بود که در واقع منتقم و اخذ عوض خداوند متعال است. همان طور که پیشتر اشاره رفت؛ مراد مرحوم نراقی از قصاص اعم از قصاص در دنیا و آخرت می‌باشد؛ چرا که با توجه به نوع ارتباطی که هر فرد با سایرین دارد،

قصاص نیز در آبرو، مال، جان، اهل و فرزندان و دین نیز جریان دارد که در واقع تحت عنوان حق الناس واقع می‌شود و قصاص با اخذ عوض انجام می‌شود^۱ (ر.ک. نراقی، بیتا، ج ۱، ص ۷۲) که این اخذ عوض با توجه متعلق آن نیز متفاوت خواهد بود. از نظر ایشان قصاص به معنای انتقام و کیفر گناه نیز در امور واجب و محرماتی که نیز میان بنده و خداست و تحت عنوان حق الله واقع می‌شود (همان)، جاری و ساری است. مرحوم نراقی همچنین خوف از سوء عاقبت را عاملی برای دوری از ممنوعات، محرمات و ننگه داشتن خویشان از شبهه‌ها دانسته (مجتبوی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۶۷) و معتقد است که نقش بسزایی، در رقم خوردن سرنوشت آدمی دارد. از جمله مواردی که جز خداوند هیچ کس نمی‌تواند آن را تضمین نماید؛ مساله عاقبت بخیری می‌باشد. تنها افراد نادری که آن هم نیز از جانب خداوند است؛ می‌توانند بصورت قطعی از حسن عاقبت خود مطلع باشند. بنابراین چگونه می‌توان خود را بی‌نیاز از کسب فضایل و دوری از رذایل دانست؛ و حال آن که آدمی همواره باید نسبت به عاقبت خود نگران بوده و همت خود را به کار بندد تا به عاقبتی نیکو نایل آید؛ که این مهم جز با فضیلت مند شدن و پایبندی به اصول اخلاقی و ترک رذایل، دست یافتنی نخواهد بود. حبط عمل، (ر.ک: همان، ص ۲۵۸-۲۵۷) هلاکت ابدی، تجسم اعمال، نارضایتی الهی، رسوایی و.. از دیگر موارد عوامل اخروی خواهد بود.

بخش ششم: جمع بندی

یکی از عمده ترین و مهم‌ترین نقدی که می‌توان بر دیدگاه کانت وارد نمود، آن است که ضمانت اجرای استواری برای صیانت از اخلاق وجود نخواهد داشت و اگر قرار باشد عقل عملی در نقش ضامن، ظاهر شود، نمی‌تواند آن را پشتوانه و تکیه‌گاه محکمی به حساب آورد. همچنان که در ابتدای بحث اشاره شد، اگر نتوانیم برای تکالیف اخلاقی ضمانت اجرایی بیابیم که حافظ آن‌ها باشد، این تکالیف در حد نظریه و اندیشه باقی خواهد ماند و هرگز نمی‌توان برای آن دیدگاه اخلاقی ارزش و جایگاه والایی قایل شد.

اما در ضمانت اجرا و عواملی بازدارنده و انگیزه سازی که توسط فاضل نراقی معرفی می‌شود، کارآمدی بهتر و بیشتری وجود خواهد داشت. خصوصا عوامل اخروی که اگر چه ممکن است نقد و فوری نباشد؛

^۱ یقتص من الظالم.. بأخذ العوض

اما بخاطر خصوصیت‌ها و ویژگی‌هایی که دنیای آخرت دارد، آن را نیز متمایز خواهد نمود. برخی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها جاودانگی سرای آخرت است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ؛ ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است؛ و آخرت سرای همیشگی است» (غافر: ۳۹)

خداوند متعال در این آیه شریفه به فانی بودن دنیا و زوال پذیری آن اشاره می‌فرماید و در واقع آخرت را سرای جاودانه و پایدار معرفی می‌نماید. بدین معنا که پایان و انتهایی برای سرای اخروی در نظر گرفته نمی‌شود تا با پایان پذیرفتن آن نیز عذاب‌ها پایان یابد. دیگر ویژگی سرای اخروی آن است که زمان و مجال عمل نیست؛ بلکه آن چه را در دنیا بنا نهاده و کاشته است را برداشت خواهد نمود و در واقع روز حساب خواهد بود. امیرمومنان علی علیه السلام در مورد دنیا و آخرت می‌فرماید: «وَأَنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابٌ وَغَدًا حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ (نهج البلاغه، خطبه ۴۲): امروز، روز عمل است نه حساب، و فردا روز حسابرسی است نه عمل». آن چه کار را دشوار تر می‌کند، حسابرسی بسیار دقیق و سخت است. روزی که به اندازه بال مگسی از خوبی‌ها و بدی‌ها فرو گزارده نخواهد شد، خداوند متعال خطاب لقمان به فرزندش را این چنین بیان می‌کند: «یا بنی، انما ان تک مثقال حبة من خردل فتکن فی صخرة او فی السموت او فی الارض یات بها الله ان الله لطیف خبیر» (لقمان: ۱۶) (پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی کار نیک یا بد باشد، و در دل سنگی یا در گوشه‌ای از آسمانها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را در قیامت برای حساب می‌آورد؛ خداوند دقیق و آگاه است) روزی که نه تنها شاهد همان قاضی خواهد بود، بلکه سایر اعضا و جوارح آدمی نسبت به کارهایی که در دنیا مرتکب شده است، شهادت خواهد و عملا راه گریزی نخواهد بود. در ادامه باید گفت که عذاب‌ها و عقوبت‌های اخروی نیز از جهت سختی و شدت قابل مقایسه با عقوبت‌های دنیوی نبوده و تحمل ناپذیر است. خداوند متعال نسبت به آتش جهنم این چنین در قرآن کریم وعده می‌دهد: «وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ، آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند» و این گونه نیست که مانند دنیا امکان توبه باشد. برخی انسان‌ها از نعمت توبه به درستی استفاده نکرده و به صورت مداوم پس از توبه و ابراز ندامت از کرده‌های خویش، توبه شکسته و به همان مسیر قبلی باز می‌گردند و امیدوارند پس از آن مجدداً توبه نموده و مورد بخشش قرار گیرند. اما روز حساب، روزی است که در آن امکان اصلاح و توبه وجود نخواهد داشت و در واقع مهلت‌ها در آن روز به پایان

رسیده است: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ» (غافر: ۵۲): روزی که عذرخواهی ظالمان، سودی به حالشان نمی بخشد» و همان طور که پیشتر اشاره شد آخرت زمان تغییر سرنوشت و عمل نیست. افرادی که چندان پایبند به اصول و قواعد اخلاقی نیستند، مکررا رذایل و منهیات اخلاقی را مرتکب می شوند و برای فرار از عواقب و پذیرش عملکرد خود از موقعیت و جایگاه اجتماعی خود، روابط خانوادگی، اجتماعی و.. سوء استفاده می نمایند و یا دست به دامن رشوه و زور شوند و نهایتا این که خود را رهایی بخشد. اما روز قیامت همان روزی است که هیچ راه گریزی از پذیرش مسئولیت و عواقب اعمال نیست و هیچ گونه شفاعت ناحق و باطلی در حق هیچ کس پذیرفته نخواهد شد و هیچ یک از اسباب غیرالهی دنیایی به کار نخواهد آمد. روزی که هیچ یک از نسبت های خویشاوندی کارساز نخواهد بود: «لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ: (ممتحنه: ۳) هرگز بستگان و فرزندان سودی به حالتان نخواهند داشت»

در پایان نیز باید گفت، با توجه به این که کانت مبادی افعال اخلاقی را عقل عملی می داند، می توان چنین از او ایراد گرفت که منشا فعل اخلاقی تمیلات و گرایشات انسان است که بر شناخت و انگیزه او تاثیر گذاشته و سبب صدور فعل اخلاقی می گردد. در ادامه باید گفت، کانت در حالی عقل عملی را پیشینی و فطری می داند که ادراک احکام اخلاقی به صورت فطری به وسیله عقل، توسط برخی اندیشمندان اسلامی مانند ابن سینا مورد رد واقع شده است. کانت در حالی معتقد به گسستگی عقل عملی از عقل نظری می باشد که وجود این ارتباط و رابطه میان باید و هست، توسط بسیاری از اندیشمندان اخلاقی مسلمان، اثبات شده است.

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)
۲. نهج البلاغه
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴.
۴. نراقی، مهدی بن ابی ذر، جامع السعادات، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ چهارم، بی‌تا.
۵. مجتبوی، سیدجلال الدین، علم اخلاق اسلامی، حکمت، تهران، ۱۳۷۷.
۶. اسماعیل صینی، محمود، المکنز العربی المعاصر، بيروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۴۱۴ ه.ق.
۷. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، به تحقیق حسینی اشکوری، احمد، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
۸. انصاریان، حسین، معاشرت، قم، دارالعرفان، ۱۳۸۸.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام) ۱۳۸۵ ه. ش.
۱۰. قائمی، علی، اخلاق و معاشرت در اسلام، تهران، امیری ۱۳۶۴.
۱۱. صدر، سید محمد، ما وراء الفقه، بیجا، ۱۴۲۰ ه.ق.
۱۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ ۱۵، ۱۳۷۹.
۱۳. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، بی‌تا.
۱۵. بروس اونی، نظریه اخلاقی کانت، علیرضا آل بویه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۱۶. ژکس، فلسفه اخلاق، ترجمه ابولقاسم پورحسینی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۱۷. فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه (از ولف تا کانت)، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، تهران، سروش، ۱۳۹۵.
۱۸. ایمانوئل کانت، نقد عقل عملی، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، نور الثقلمین، ۱۳۸۵.
۱۹. کورنر اشتفان، فلسفه کانت، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۷.
۲۰. ویلیام کی. فرانکنا، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، تهران، طه، چ ۴، ۱۳۹۳.



۲۱. مصباح، مجتبی، فلسفه اخلاق، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۹.
۲۲. شریفی، احمدحسین، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
۲۳. موسوی، سربخشی؛ سیده زهرا، محمد، «بررسی ضمانت اجرای اخلاق در دیدگاه کانت و شهید مطهری»، فصلنامه پژوهش‌های نوین دینی، شماره ۲، پاییز ۹۹، ص ۱۵۲-۱۲۹.
۲۴. حسینی قلعه‌بهمن، سید اکبر، «تحلیلی بر ساختار نظام اخلاقی در ادیان»، معرفت ادیان، شماره ۲۵، سال هفتم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۴.
۲۵. صادقی، مرضیه؛ «اخلاق فضیلت‌مدار در دیدگاه مرحوم نراقی و امام خمینی»، حکمت سینوی، شماره ۳۰ و ۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
۲۶. عباس‌زاده، عباس، «شریعت ضمانت اجرای اخلاق»، پژوهش نامه اخلاق، شماره ۲۴، سال هفتم، تابستان ۱۳۹۳.

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

پنجمین همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام (۱۴۰۱) موسسه قانون یار، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی-دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش و ...

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**

**پنجمین همایش علمی-پژوهشی
مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام**

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir **www.Ghanonyar.ir**

محورهای پذیرش مقالات

- تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزش و آموزش و پرورش
- روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش دکتر شهلا رضایی
دبیر علمی و مسئول همایش دکتر بهنام اسدی
مکان و زمان برگزاری همایش کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران OLOMENSANI@YAHOO.COM
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
 ((در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵))

 CiteFactor
Academic Scientific Journals
Indexing
Academia.edu
California-San Francisco
  MENDELEY
Sponsored And Indexed
PBBIN.com
  جهاد
دانشگاهی
Scientific Information
Database
  DRJI
Directory of Research
Journals
Indexing
WORLD of JOURNALS
  CONF PAPER
Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science